



Intergenerational Rights to the Environment as a Human Right: Foundations and Challenges in Imamiyya Jurisprudence

Seyed Ali Mirlohi*

1. Department of Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:59- 74

Article history:

Received: 2 Jul 2025

Edition: 16 Aug 2025

Accepted: 20 Sep 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

Jurisprudential Justice; Historical Evolution; Islamic Thought; Fiqh and Human Rights; Human Dignity.

Corresponding Author:

Servat Soleimanzadeh Afshar

Address:

Iran, Tehran, Shahid Motahari University, Department of Jurisprudence and Private Law.

Orchid Code:

0009-0008-4527-620X

Email:

Mirlohi@motahari.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Justice is one of the most fundamental concepts in Islamic jurisprudential thought, which has been continuously redefined in response to historical, social, and philosophical transformations. The aim of this study is to examine the historical evolution of the concept of justice from the early Islamic sources to its reflection in the contemporary discourse of global human rights.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: the research finds that the notion of justice in Islamic thought has evolved from a divine equilibrium and cosmic order (qist) to a human-centered legal and social justice grounded in rationality.

Conclusion: The results indicate that this historical transformation has opened a constructive space for dialogue between Islamic jurisprudence and the global human rights system, strengthening the possibility of interpreting Islamic justice within the framework of universal human dignity.

Cite this article as:

Soleimanzadeh Afshar, S. *A Historical Analysis of the Concept of Justice in Islamic Jurisprudential Thought (with an emphasis on the Shi'a approach) and Its Reflection in Global Human Rights*. *Jurisprudential Research on Human Rights*. 2025.



دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

حقوق بین نسلی بر محیط زیست به مثابه یک حق بشری: مبانی و چالش‌ها در فقه امامیه

سیدعلی میرلوحی^{*۱}

۱. گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری (ره)، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بحران‌های زیست‌محیطی، چالش تضمین «حقوق نسل‌های آینده» را در گفتمان حقوق بشر مطرح کرده است. این مفهوم، به عنوان بخشی از نسل سوم حقوق بشر، فاقد مبنای نظری و ضمانت اجرایی مستحکم در اسناد بین‌المللی بوده و هدف این پژوهش، ارائه یک چارچوب تحلیلی-فقهی برای غلبه بر چالش‌های نظری (مانند معدوم بودن ذی‌حق) و ایجاد یک بنیان حقوقی-فقهی استوار برای این حق بشری است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی منابع کتابخانه‌ای انجام شده و به شناسایی چالش‌ها، ارائه راهکارهای فقهی و تبیین آثار عملی پذیرش این حق می‌پردازد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: چالش‌های اصلی فقهی شامل «معدوم بودن صاحب حق»، ماهیت «آتی و تجمعی» ضررها و دشواری «اثبات سببیت» است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فقه امامیه با بهره‌گیری از نهادهایی چون «وقف» و «وصیت»، قادر به اعتباربخشی «شخصیت حقوقی» برای نسل‌های آینده است. همچنین به عنوان راهکار اصلی، با تعریف این حق در چارچوب «حق‌الناس عمومی» و مفهوم «تلف موضوع حق»، می‌توان مبنایی برای استقرار مسئولیت مدنی و کیفری فراهم کرد.

نتیجه: فقه امامیه چارچوبی منسجم برای به رسمیت شناختن «حقوق بین نسلی بر محیط زیست» به عنوان یک حق بشری ارائه می‌دهد و راهکارهای عملی برای تضمین و اجرای آن را فراهم می‌سازد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۴-۵۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق بشر، حقوق بین نسلی، فقه امامیه، محیط زیست، شخصیت حقوقی، حق‌الناس.

نویسنده مسئول:

سیدعلی میرلوحی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه شهید مطهری (ره)، گروه فقه و حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0009-0008-4527-620X

پست الکترونیک:

Mirlohi@motahari.ac.ir

۱. مقدمه

نظری و ضعف در ضمانت اجرا مواجه است (Maljean-Dubois, 2011, p. 230). فرصتی برای نظام‌های حقوقی ریشه‌دار، از جمله فقه امامیه، فراهم می‌آورد تا با تکیه بر مبانی غنی خود، به این نیاز معاصر پاسخی عمیق و کارآمد دهند. با توجه به این خلاء نظری در اسناد بین‌المللی و ضرورت یافتن مبنایی مستحکم در نظام حقوقی اسلام، سوال اصلی این پژوهش آن است که: فقه امامیه چگونه می‌تواند علی‌رغم چالش‌های نظری بنیادین (مانند معدوم بودن صاحب حق و ماهیت آتی ضررها)، مبنایی حقوقی، منسجم و قابل اجرا برای حقوق بین‌نسلی بر محیط زیست به مثابه یک حق بشری فراهم آورد و راهکارهای عملی برای تضمین آن کدامند؟ در پاسخ به این سوال، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که صرفاً به مرور تکالیف اخلاقی نمی‌پردازد، بلکه با تمرکز بر چالش‌های مشخص (مانند معدوم بودن ذی‌حق)، یک «چارچوب جامع و راه‌حل‌محور» فقهی ارائه می‌دهد و با ارائه یک نقشه راه سه‌بخشی (چالش‌ها، راهکارها، آثار)، مسیر استقرار این حق در نظام حقوقی را تبیین می‌نماید. پیشینه تحقیق در این حوزه نشان می‌دهد که پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه «فقه و محیط زیست» صورت گرفته است. آثار موجود را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد: دسته اول، بر تبیین جهان‌بینی و مبانی اخلاقی اسلام در قبال طبیعت تمرکز دارند. در این دسته، آثار اندیشمندان چون آیت‌الله جوادی آملی برجسته است که با جایگزینی نگاه «خلقت‌محور» به جای «طبیعت‌محور»، انسان را خلیفه و امانت‌دار الهی بر روی زمین معرفی می‌کنند که وظیفه‌اش آبادانی است نه تخریب (جوادی آملی،

مواجهه انسان معاصر با بحران‌های فزاینده زیست‌محیطی، از تغییرات اقلیمی و فرسایش خاک گرفته تا آلودگی منابع آبی، واقعیتی انکارناپذیر است که به یک چالش وجودی برای بقای نوع بشر تبدیل شده است. گزارش‌های نهادهای بین‌المللی تصویری هشداردهنده از این بحران ارائه می‌دهند؛ از خطر انقراض قریب‌الوقوع یک میلیون گونه گیاهی و جانوری به دلیل فعالیت‌های انسانی (IPBES Report, 2019) گرفته تا مواجهه دو-سوم جمعیت جهان با کمبود آب تا سال ۲۰۲۵ (UN Water 2025). Report, 2023). این بحران، که ریشه در نگرش‌های کوتاه‌مدت و انسان‌محوری دارد که طبیعت را صرفاً ابزاری برای تمتع نسل حاضر می‌داند (Rolston III, 2012, p. 45)، چگونگی تضمین حق حیات و بهره‌مندی از محیط زیست سالم برای نسل‌هایی که هنوز وجود خارجی ندارند. در پاسخ به این چالش، مفهوم «حقوق بین‌نسلی» به عنوان بخشی از نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی) ظهور کرده است. این نسل از حقوق، برخلاف نسل اول (حقوق مدنی و سیاسی) که فردمحور است و نسل دوم (حقوق اقتصادی و اجتماعی) که دولت‌محور است، بر حقوق جمعی و همبستگی جهانی تأکید دارد. «حق بر محیط زیست سالم»، «حق بر صلح» و «حق بر توسعه» از مهم‌ترین مصادیق این نسل هستند (حبیبی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲). «حقوق بین‌نسلی» بر این ایده استوار است که جامعه بشری یک زنجیره مستمر است و نسل حاضر نه تنها در برابر هم‌نوعان خود، بلکه در برابر آیندگان نیز مسئولیت دارد. با این حال، این مفهوم در اسناد بین‌المللی با ابهاماتی در مبنای

۱۳۹۰، ص ۶۰). دسته دوم، به تحلیل قواعد فقهی موجود برای کاربرد در مسائل زیست‌محیطی پرداخته‌اند. در این میان، مقالات متعددی از سید مصطفی محقق داماد به تحلیل ظرفیت‌های قواعدی چون «لاضرر»، «اتلاف» و «تسبیب» در ایجاد مسئولیت مدنی برای آلاینده‌گان زیست‌محیطی اختصاص یافته است (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵). این دسته از آثار، هرچند بسیار راهگشا، اما عمدتاً به تحلیل مسئولیت پس از وقوع ضرر پرداخته و کمتر به جنبه «پیشگیرانه» و «حق‌محور» پرداخته‌اند. دسته سوم، به صورت خاص به حقوق نسل‌های آینده پرداخته‌اند. برای نمونه، در پژوهشی با عنوان «مبانی فقهی حقوق نسل‌های آینده بر محیط زیست» (کریمی‌پور، ۱۴۰۳)، تلاش شده تا با استناد به ادله عام، یک تکلیف کلی برای نسل حاضر اثبات شود. نوآوری پژوهش حاضر در سه جنبه است: نخست، این مقاله به صورت مستقل و منسجم به مسئله «حقوق بین نسلی» به مثابه یک «حق» قابل مطالبه و دارای ضمانت اجرا می‌پردازد و از سطح تحلیل «تکالیف اخلاقی یا عمومی» فراتر می‌رود. دوم، به جای تمرکز بر یک قاعده، یک چارچوب جامع و راه‌حل‌محور ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد چگونه مجموعه‌ای از مبانی فقهی می‌توانند برای حل چالش‌های مشخص (مانند معدوم بودن ذی‌حق) به کار گرفته شوند. سوم، با ارائه یک ساختار سه‌بخشی (چالش‌ها، راهکارها، آثار)، یک نقشه راه عملی برای استقرار این حق در نظام حقوقی پیشنهاد می‌دهد.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی منابع کتابخانه‌ای انجام شده و به شناسایی چالش‌ها، ارائه راهکارهای فقهی و تبیین آثار عملی پذیرش این حق می‌پردازد.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

چالش‌های اصلی فقهی شامل «معدوم بودن صاحب حق»، ماهیت «آتی و تجمعی» ضررها و دشواری «اثبات سببیت» است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فقه امامیه با بهره‌گیری از نهادهایی چون «وقف» و «وصیت»، قادر به اعتباربخشی «شخصیت حقوقی» برای نسل‌های آینده است. همچنین به عنوان راهکار اصلی، با تعریف این حق در چارچوب «حق‌الناس عمومی» و مفهوم «تلف موضوع حق»، می‌توان مبنایی برای استقرار مسئولیت مدنی و کیفری فراهم کرد.

۵. بحث

۵-۱. چالش‌های فقهی پیش روی شناسایی

حقوق بین نسلی

پیش از ارائه هرگونه راهکار برای اثبات و استقرار حقوق بین نسلی، ضروری است تا موانع و چالش‌های نظری که فقه امامیه در این مسیر با آن روبروست، به دقت شناسایی و تحلیل گردد. این چالش‌ها عمدتاً ریشه در ماهیت منحصربه‌فرد «نسل‌های آینده» به عنوان صاحب حق و «خسارات زیست‌محیطی» به

عنوان موضوع حق دارند که با چارچوب‌های کلاسیک فقهی در نگاه اول انطباق کامل ندارند. مهم‌ترین این چالش‌ها در سه حوزه قابل دسته‌بندی است.

۱-۱-۵. چالش در صاحب حق: معدوم بودن و فقدان اهلیت

بنیادی‌ترین چالش، گزاره منطقی-حقوقی است که «حق» نیازمند «صاحب حق» (ذی‌حق) است. در نظام فقهی، برای برخورداری از حقوق، شخص باید دارای «اهلیت وجوب» (صلاحیت دارا شدن حق و تکلیف) و برای اجرای آن، دارای «اهلیت اداء» (صلاحیت استعمال حق) باشد. هرچند فقه برای «حمل» (جنین)، اهلیت وجوب ناقص را به رسمیت شناخته و او می‌تواند طرف حقی مانند ارث قرار گیرد، اما این اهلیت نیز مشروط به زنده متولد شدن است. چالش اصلی در مورد نسل‌های آینده این است که آن‌ها نه تنها وجود خارجی ندارند، بلکه حتی در مرحله جنینی نیز نیستند و «معدوم» محسوب می‌شوند. از منظر فلسفه حقوقی، این اشکال ریشه در نگرش «حال‌گرایانه» (Presentism) دارد که تنها موجودات حاضر را دارای ارزش اخلاقی و حقوقی می‌داند. این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که آیا می‌توان برای یک موجودیت کاملاً معدوم، حتی اهلیت وجوب را اعتبار کرد؟ این مانع، که از آن به «اشکال معدوم بودن ذی‌حق» یاد می‌شود (براون‌وایس، ۱۹۹۰، ص ۱۲۰)؛ اصلی‌ترین مانع مفهومی در مسیر شناسایی حقوق مستقل برای آیندگان است که نیازمند راهکاری تحلیلی است.

۲-۱-۵. چالش در ماهیت ضرر: آتی، تدریجی و تجمعی بودن خسارات زیست‌محیطی

دومین چالش کلیدی، به ماهیت خسارات زیست‌محیطی بازمی‌گردد. قواعد ضمان‌آور در فقه، مانند «لاضرر»، «اتلاف» و «تسبیب»، عمدتاً برای مواجهه با ضررهای فعلی، مستقیم و محقق طراحی شده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۳؛ محقق داماد، ۱۳۸۵، ص ۶۹). در حالی که خسارات زیست‌محیطی مدرن، دارای ویژگی‌هایی هستند که کاربست سنتی این قواعد را دشوار می‌سازد:

۱) آتی بودن (Future Harm) مسئولیت مدنی کلاسیک، مبتنی بر «ضرر محقق و مسلم» است. بسیاری از آثار تخریب محیط زیست، مانند تغییرات اقلیمی، نه تنها در آینده دور آشکار می‌شوند، بلکه ماهیتی احتمالی و مبتنی بر پیش‌بینی‌های علمی دارند. این امر، اثبات رکن «ورود ضرر» را از منظر قضایی با چالش مواجه می‌کند.

۲) تدریجی بودن (Gradual Harm) خسارات زیست‌محیطی معمولاً حاصل یک فرآیند تدریجی و فرسایشی هستند. این امر، تعیین دقیق «زمان وقوع ضرر» و «آغاز محاسبه خسارت» را که در نظام مسئولیت مدنی اهمیت دارد، پیچیده می‌سازد.

۳) تجمعی بودن (Cumulative Harm) اغلب این خسارات، محصول یک فعل مشخص نیستند، بلکه نتیجه انباشت میلیون‌ها کنش کوچک و در ظاهر بی‌ضرر هستند. این پدیده که در ادبیات اقتصادی-اجتماعی از آن با عنوان «تراژدی منابع مشترک» (Tragedy of the Commons) یاد می‌شود (Hardin, 1968, p74)، ساختار کلاسیک مسئولیت مدنی را که مبتنی بر یک رابطه دوطرفه میان «فاعل زیان» و «زیان‌دیده» است، به چالش

در ادامه، راهکارهای متناظر با هر یک از چالش‌های پیشین تبیین می‌گردد.

۱-۲-۵. راهکار چالش اول: اعتبار شخصیت

حقوقی برای «عنوان کلی نسل‌های آینده»

برای عبور از مانع «معدوم بودن صاحب حق»، راهکار اصلی در استفاده از ظرفیت فقه امامیه برای اعتباربخشی به «شخصیت حقوقی» برای یک عنوان کلی است. این راهکار، مبتنی بر تحلیل عمیق دو نهاد ریشه‌دار فقهی یعنی «وقف» و «وصیت» است که نشان می‌دهند نظام اعتباری فقه، توانایی برقراری رابطه حقوقی با موجودیت‌های غیرموجود را داراست.

۱-۲-۵. تحلیل نهاد «وقف» و استخراج

مبنای اعتبار شخصیت

نزدیک‌ترین و مترقی‌ترین نهاد فقهی برای این بحث، نهاد «وقف» است. در وقف، مالکیت عین از ملک واقف خارج شده و منافع آن برای یک هدف خاص حبس ابد می‌شود. تحلیل دقیق ماهیت وقف، به‌ویژه در «وقف بر جهات عامه» (مانند وقف بر فقرا، طلاب یا مساجد)، راه را برای بحث ما هموار می‌کند. فقه‌های بزرگی چون محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۹۰) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۷۴) تصریح کرده‌اند که در این نوع وقف، مالکیت به اشخاص منتقل نمی‌شود. این شخصیت اعتباری به گونه‌ای است که «جهت وقف» می‌تواند طرف حق قرار گیرد و حتی دارای «ذمه» مستقل برای پذیرش تعهدات باشد. واکاوی مبنای این اعتبار، نشان می‌دهد که علت اصلی، وجود یک «مصلحت نوعی و مستمر» است که شارع برای تضمین بقای آن، یک شخصیت حقوقی مستقل اعتبار می‌کند تا این جهت بتواند طرف حق قرار گیرد و منافع به سوی آن جریان

می‌کشد و انتساب ضرر به یک عامل مشخص را دشوار می‌کند. (پازک، ۲۰۱۷، ص ۹۱)

۳-۱-۵. چالش در اثبات رابطه سببیت

این چالش، به دشواری اثبات «رابطه استناد» میان فعل نسل حاضر و ضرر نسل آینده بازمی‌گردد. در فقه و حقوق، برای تحقق ضمان، باید بتوان ضرر را به فعل یک شخص «استناد» داد. باید میان «سببیت علمی» و «سببیت حقوقی» تمایز قائل شد (Golding, 2001, p. 95). هرچند علم فیزیک ممکن است رابطه‌ای میان انتشار گازهای گلخانه‌ای و گرمایش زمین برقرار کند، اما حقوق برای احراز مسئولیت، نیازمند یک رابطه سببیت مستقیم و متعارف است. در خسارات زیست‌محیطی، فاصله زمانی طولانی میان فعل و نتیجه، و همچنین وجود اسباب و عوامل متعدد مداخله‌گر (مانند فعالیت‌های سایر کشورها یا پدیده‌های طبیعی)، زنجیره سببیت را از منظر حقوقی تضعیف یا قطع می‌کند. اثبات اینکه فعل یک کارخانه مشخص در ایران، سبب مستقیم وقوع یک خشکسالی در ۵۰ سال آینده در همان منطقه بوده است، با توجه به تعدد اسباب، از نظر قضایی تقریباً ناممکن است.

۲-۵. راهکارهای فقهی برای استقرار حقوق بین

نسلی

با وجود چالش‌های نظری مطرح شده، نظام حقوقی فقه امامیه از ظرفیت‌ها و مکانیسم‌های درونی قدرتمندی برخوردار است که می‌تواند برای هر یک از این چالش‌ها، راهکاری مناسب ارائه دهد. این راهکارها صرفاً مجموعه‌ای از قواعد پراکنده نیستند، بلکه در یک چارچوب منسجم، مسیر را برای شناسایی و تضمین حقوق بین نسلی هموار می‌سازند.

تا پس از ولادت، استقرار یابد. این مکانیسم «تعلیق»، دقیقاً همان چیزی است که برای حقوق نسل آینده به آن نیازمندیم. حق نسل آینده بر محیط زیست، در زمان حال توسط ادله شرعی و اعتبار عقلایی «انشاء» شده است، اما «استقرار» و فعلیت آن برای هر نسل، منوط به وجود یافتن آن نسل است. برخی از فقهای بزرگ پا را از این نیز فراتر نهاده و وصیت برای «معدوم» (کسی که حتی نطفه‌اش منعقد نشده) را نیز جایز شمرده‌اند، مشروط بر اینکه در سلسله‌ای باشد که ابتدای آن موجود است، مانند وصیت برای فرزندان نوه واقف (موسوی خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱۸). استدلال ایشان بر پایه عمومات ادله وصیت و عدم وجود دلیل بر بطلان است. بنابراین، استناد به وصیت، نه برای اثبات «محتوای حق»، بلکه برای اثبات «امکان تعلیق حق برای معدوم» است و پاسخی به چالش شکلی ارتباط با معدوم ارائه می‌دهد.

شخصیت حقوقی در حقوق مدرن	شخصیت حقوقی در فقه امامیه	وجه مقایسه
قانون موضوعه (ثبت رسمی)	اذن شارع و اعتبار عقلایی (مبتنی بر مصلحت)	مبنای مشروعیت
عمدتاً اهداف اقتصادی، انتفاعی و کسب سود	عمدتاً امور عام‌المنفعه، خیریه و حفظ مصالح عمومی	هدف اصلی
شرکت‌های تجاری، مؤسسات غیرتجاری	وقف بر جهات عامه (مانند مساجد و فقرا)	مصادق بارز
ذمه مستقل و کاملاً منفک از شخصیت مؤسسين و اعضا	ذمه اعتباری محدود به دارایی‌های همان شخص حقوقی (مثلاً اموال موقوفه)	مفهوم ذمه (تعهد)

یابد. نکته کلیدی اینجاست که ذی‌حق در وقف عام، یک «عنوان کلی» است، نه اشخاص معین. «فقرا» یا «طلاب»، عناوینی هستند که مصادیق آنها دائماً در حال تغییر، ورود و خروج هستند و بسیاری از آنها در زمان ایجاد وقف، وجود خارجی ندارند (علامه حلی، بی تا، ج ۹، ص ۲۵۰). اگر شارع و عقلا توانسته‌اند برای یک «عنوان کلی» و غیرشخصی مانند «جهت وقف»، اهلیت تمتع از حقوق را اعتبار کنند، این استدلال مبتنی بر استخراج «مناط حکم» است. اگر مناط و علت اصلی اعتبار شخصیت برای «جهت وقف»، تضمین یک مصلحت عمومی و مستمر است، این مناط به طریق اولی در مورد «عنوان کلی نسل‌های آینده بشر» نیز وجود دارد؛ زیرا حفظ منابع حیات برای بقای نوع بشر، مهم‌ترین و قطعی‌ترین مصلحت عمومی قابل تصور است؛ بنابراین، می‌توان منابع طبیعی را به مثابه یک «وقف الهی» برای «جهت عام نسل‌های بشر» در نظر گرفت که نسل حاضر، در حکم متولی آن است و حق تزییع آن را ندارد.

۲-۱-۲-۵. تحلیل «وصیت برای معدوم» و

استخراج مکانیسم تعلیق

باید با تأکید تصریح کرد که هدف از بررسی این نهاد، اثبات این همانی میان «حق» نسل آینده با «ملکیت» نیست. بلکه هدف، استخراج یک «مکانیسم حقوقی» است که فقه برای برقراری ارتباط با معدوم به کار برده است. فقها وصیت برای «حمل» را به اتفاق آرا صحیح دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۸، ص ۴۴۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۱۸۵). نکته دقیق در استدلال فقها، تفکیک میان «زمان انشاء تملیک» و «زمان استقرار ملکیت» است. در لحظه وصیت، «تملیک» از سوی وصیت‌کننده انشاء می‌شود، اما «ملکیت» برای حمل، به صورت معلق باقی می‌ماند

فراتر از راهکارهای مفهومی، با تحلیل دقیق لسان و روح حاکم بر ادله نقلی، می‌توان مبانی مستقیمی برای اثبات ماهیت عمومی و بین نسلی این حق یافت. این ادله نشان می‌دهند که تکلیف به حفظ منابع برای آیندگان، ریشه در متن دین دارد.

الف) اطلاق زمانی خطابات و اصل اشتراک در حقوق یک اصل بنیادین در اصول فقه آن است که خطابات قانونی شارع، اصالتاً محدود به مخاطبین زمان صدور (مشافهین) نیست، بلکه دارای اطلاق زمانی است و تمام مکلفین در تمام اعصار را در بر می‌گیرد. این اصل که به «اشتراک در تکلیف» مشهور است، یک لازمه منطقی دارد و آن «اشتراک در حقوق» است. نمی‌توان پذیرفت که نسل‌های آینده در تکالیف شریک باشند، اما در حقوق بنیادینی که بستر انجام آن تکالیف است، شریک نباشند. مصداق بارز این اشتراک در حقوق، قاعده‌ای است که در روایات متعدد آمده است: «الناس شركاء فی ثلاث: الماء و الكلاً و النار» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۰۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۴۱۵). واژه «الناس» در این روایت اطلاق دارد و هیچ دلیلی برای تقييد آن به نسل حاضر وجود ندارد. این شراکت، یک شراکت مستمر در طول زمان است. در منطق حقوقی، شریک حق ندارد در مال مشترک تصرفی کند که به سهم سایر شرکا لطمه بزند. از آنجا که نسل‌های آینده شرکای ما در این منابع بنیادین هستند، هرگونه بهره‌برداری تخریب‌گرانه از سوی نسل حاضر، به منزله تجاوز به حق شریک است و ضمان‌آور خواهد بود.

ب) تحلیل روایات ناظر بر تکالیف مستمر و فراتر از انتفاع شخصی

اهلیت تمتع (برخورداری از حق)	قابلیت انتفاع و طرف حق قرار گرفتن برای نیل به هدف مشخص (مثلاً دریافت درآمد وقف)	دارای کلیه حقوق و تکالیف قانونی مگر آنچه مختص انسان طبیعی است (مانند حق ازدواج)
------------------------------	---	---

جدول ۱: مقایسه تطبیقی مفهوم شخصیت حقوقی در فقه

امامیه و حقوق مدرن

۲-۲-۵. راهکار چالش دوم و سوم: تبیین ماهیت حق در چارچوب حق الناس عمومی

برای پاسخ به چالش‌های مربوط به «ماهیت ضرر» و «اثبات سببیت»، راهکار در تغییر پارادایم از یک نگاه مبتنی بر «خسارت» به یک نگاه مبتنی بر «حق» نهفته است. نظریه «حق الناس عمومی» این تغییر را ممکن می‌سازد.

۱-۲-۵. حل چالش «فعلی بودن ضرر» از طریق مفهوم «تلف موضوع حق»

با پذیرش اینکه نسل‌های آینده دارای یک «حق معتبر» بر محیط زیست سالم هستند، ضرر دیگر صرفاً یک امر آتی و محتمل نیست. تخریب منابع طبیعی در زمان حال، مصداق بارز «تلف فعلی موضوع حق» است. همان‌طور که اگر کسی مال وقفی را تلف کند، در همان لحظه ضامن است حتی اگر منتفعین آن در آینده به وجود آیند، در اینجا نیز با از بین بردن بستر حیات، ضرر به صورت فعلی به موضوع حق معتبر، وارد شده است. در نتیجه، این نگاه نیاز به انتظار برای مشاهده رنج نسل آینده را از بین برده و مسئولیت را در همان لحظه تخریب، مستقر می‌سازد.

۲-۲-۵. کاوش در لسان ادله برای اثبات ماهیت عمومی و بین نسلی حق

به معنای سلطه تخریب‌گرانه نیست، بلکه به معنای مسئولیت برای حفظ و آبادانی («عمارۃ الارض») بر اساس نظم و عدالتی است که خداوند در عالم قرار داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۵۲). از این منظر، منابع طبیعی، «امانت» الهی در دست نسل حاضر هستند. بدیهی است که امانت‌دار (امین) حق ندارد در مال امانی تصرفی کند که به ضرر مالک اصلی (خداوند) یا سایر ذی‌نفعان (نسل‌های آینده) باشد. هرگونه تخریب منابع، مصداق «خیانت در امانت» است و نه تنها مسئولیت اخروی، بلکه مسئولیت حقوقی نیز به دنبال دارد. حاصل آنکه دیدگاه مذکور مبنای کلامی و حقوقی بسیار مستحکم برای تمام بحث‌های زیست‌محیطی فراهم می‌آورد.

۳-۲-۵. حقوق بین نسلی در آینده حقوق تطبیقی: مقایسه نظریه «حق الناس عمومی» با دکتترین «امانت عمومی»

برای درک بهتر عمق و کارآمدی راهکار ارائه شده در فقه امامیه، می‌توان آن را با یکی از مهم‌ترین دکتترین‌های حقوقی در حوزه محیط زیست در نظام حقوقی کامن‌لا، یعنی دکتترین امانت عمومی (Public Trust Doctrine)، مقایسه کرد (Sax, 1970, p.51). این دکتترین بیان می‌دارد که برخی منابع طبیعی حیاتی (مانند سواحل، آبراه‌ها و حیات وحش) آنقدر برای عموم اهمیت دارند که دارایی خصوصی محسوب نمی‌شوند، بلکه دولت به عنوان امانت‌دار (Trustee) موظف به حفظ و نگهداری آن‌ها برای منفعت عامه، شامل نسل‌های حاضر و آینده، است. این دکتترین شباهت‌های شگفت‌انگیزی با نظریه «وقف الهی» و «حق الناس

در سنت نبوی و روایات اهل بیت (ع)، تکالیفی وجود دارد که فلسفه آن‌ها آشکارا فراتر از نفع آنی و شخصی فاعل است و بر یک مسئولیت بلندمدت دلالت دارد. مشهورترین نمونه، روایت نبوی است که می‌فرماید: «اگر نهال درختی در دست یکی از شماست و قیامت برپا شد، چنانچه فرصت یافت آن را بکارد، باید بکارد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۲۵). تحلیل این روایت شگفت‌انگیز نشان می‌دهد که «آبادانی» و «عملیات احیاء»، فارغ از هرگونه نفع شخصی، فی‌نفسه مطلوبیت دارد. این دستور، در شرایطی که هیچ نفعی برای خود شخص و حتی نسل‌های نزدیک متصور نیست، یک مسئولیت محض در قبال حفظ و استمرار حیات را بر دوش انسان می‌گذارد. این نگاه در مفهوم «صدقه جاریه» نیز تجلی می‌یابد. اموری چون حفر قنات، ساختن پل یا کاشتن درخت، اعمالی هستند که شارع برای آن‌ها پاداش مستمر قرار داده است. وجه مشترک تمام این اعمال، «امتداد نفع در طول زمان» و بهره‌مندی آیندگان از آن‌هاست. بنابراین، وقتی فقه، نسل حاضر را به انجام اعمالی تشویق و ترغیب می‌کند که سود اصلی آن متوجه نسل‌های بعدی است، در واقع به صورت ضمنی اما روشن، اصل «مسئولیت بین نسلی» و وجود یک ارتباط حقوقی میان نسل‌ها را تأیید و تأسیس می‌کند.

ج) جهان‌بینی قرآنی: خلافت و امانت الهی
در سطح کلان، جهان‌بینی قرآن کریم، رابطه انسان با طبیعت را در چارچوب دو مفهوم کلیدی «خلافت» و «امانت» تعریف می‌کند. انسان، جانشین (خلیفه) خداوند بر روی زمین است (بقره: ۳۰). این جانشینی،

باشد. این مفهوم با روح حاکم بر قواعد فقهی مانند قاعده «دفع ضرر محتمل» که از نظر عقلی و شرعی یک اصل لازم‌الاجراست، سازگاری کامل دارد. فقهای بزرگی چون محقق نائینی در «منیة الطالب» و شیخ انصاری در «مکاسب»، بر لزوم دفع ضرر احتمالی، به‌ویژه در مواردی که محتمل‌الضرر امر مهمی باشد (مانند نفس و حیات)، تأکید کرده‌اند (نائینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۲۴؛ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۹۲). با توجه به اینکه تخریب محیط زیست، حیات کل نوع بشر را تهدید می‌کند، این ضرر محتمل بالاترین درجه اهمیت را دارد و لزوم احتیاط را دوچندان می‌کند؛ بنابراین، «اصل احتیاطی» را می‌توان به عنوان یک قاعده فقهی-حقوقی مستقل در نظر گرفت که دولت و فعالان اقتصادی را ملزم می‌کند تا بار اثبات بی‌ضرر بودن فعالیت‌های خود را بر دوش بکشند. می‌توان چنین بیان کرد که این اصل، پارادایم سنتی اثبات دعوی را که در آن خواهان (نماینده نسل آینده) باید وقوع ضرر را اثبات کند، معکوس کرده و از تخریب پیشگیری می‌نماید.

۵-۲-۵. قاعده لاضرر به مثابه ابزار پیشگیری

علاوه بر «اصل احتیاطی» که از قاعده «دفع ضرر محتمل» استخراج شد، می‌توان با تحلیلی عمیق‌تر، خود قاعده «لاضرر» را نیز به عنوان یک ابزار پیشگیرانه بازخوانی کرد. هرچند این قاعده در نگاه سنتی، عمدتاً برای جبران ضررهای واقع‌شده به کار می‌رود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۷۲)، اما می‌توان استدلال کرد که در مواجهه با آسیب‌های زیست‌محیطی، خود «خطر» و «در معرض آسیب قرار دادن»، مصداق «ضرر فعلی» است. توضیح آنکه، ضرر صرفاً به معنای ورود خسارت مادی نیست. ایجاد

عمومی» در فقه امامیه دارد. همان‌گونه که در فقه، منابع طبیعی به مثابه یک «وقف الهی» برای «جهت عام نسل‌های بشر» در نظر گرفته شد، در دکتترین امانت عمومی نیز این منابع یک امانت عمومی تلقی می‌شوند. هر دو نظام حقوقی، دولت را از جایگاه مالک مطلق به جایگاه یک متولی و امانت‌دار مسئول تنزل می‌دهند و حق بهره‌برداری نسل حاضر را محدود به عدم تزییع حقوق آیندگان می‌کنند. با این حال، مبنای فقهی پیشنهادی در این مقاله دارای یک مزیت بنیادین است. دکتترین امانت عمومی عمدتاً یک ساخته قضایی و محصول رویه دادگاه‌هاست و مبنای آن ممکن است در نظام‌های حقوقی مختلف، محل مناقشه باشد (Sax, 1970, pp. 475-477). اما نظریه «حق الناس عمومی بین نسلی» که ریشه در نصوص دینی چون «الناس شرکاء فی ثلاث» و جهان‌بینی قرآنی خلافت و امانت دارد، از یک مشروعیت ذاتی و بنیادین برخوردار است که آن را از تفاسیر متغیر قضایی یا سیاسی مصون می‌دارد.

۴-۲-۵. اصل احتیاطی به مثابه یک قاعده

فقهی-حقوقی

یکی دیگر از راهکارهای کلیدی برای مقابله با چالش «آتی و احتمالی بودن ضرر»، استخراج و به کارگیری «اصل احتیاطی» (Precautionary Principle) از دل منابع فقهی است. اصل فوق که در حقوق بین‌الملل محیط زیست (به‌ویژه در اصل ۱۵ اعلامیه ریو) به رسمیت شناخته شده (United Nations, 1992, Principle 15)، مقرر می‌دارد که در صورت وجود تهدید به آسیب‌های جدی یا جبران‌ناپذیر، فقدان قطعیت علمی کامل نباید بهانه‌ای برای به تعویق انداختن اقدامات مؤثر برای جلوگیری از تخریب محیط زیست

موردی پیشین را در نظر می‌گیریم: «پروژه احداث یک سد بزرگ که منجر به خشک شدن تالاب پایین‌دست و تغییر اقلیم منطقه در آینده می‌شود».

۱-۳-۵. بازتعریف حدود مالکیت خصوصی

و حاکمیتی

در تحلیل سنتی، دولت به عنوان متولی انفال و بر اساس مصالح نسل حاضر (مانند تأمین آب و برق)، اختیار احداث چنین سدی را دارد و «قاعده تسلیط» نیز به مالکین اراضی اطراف اجازه بهره‌برداری می‌دهد. محدودیت اصلی، قاعده «لاضرر» است که آن هم نیازمند اثبات ورود «ضرر فعلی» به دیگران است. اما بر مبنای نظریه حق‌الناس بین نسلی، تحلیل کاملاً دگرگون می‌شود. تالاب و اکوسیستم پایدار، «موضوع حق» نسل‌های آینده است. احداث سد، حتی اگر منافی برای نسل حاضر داشته باشد، مصداق «تلف فعلی موضوع حق» آیندگان است و در اینجا، حق عمومی و بین نسلی بر مصلحت مقطعی نسل حاضر و بر اختیارات دولت و قاعده تسلیط، حاکمیت دارد. در نتیجه، این رویکرد، دولت را از جایگاه مالک مطلق به جایگاه یک متولی و امانت‌دار مسئول تنزل می‌دهد، مفهومی که شباهت بسیاری با دکترین امانت عمومی (Public Trust Doctrine) در نظام حقوقی کامن‌لا دارد که دولت را موظف به حفظ منابع حیاتی برای منفعت عامه، شامل نسل‌های آینده، می‌داند. (Sax, 1970, p. 474)

۲-۳-۵. استقرار و توسعه مسئولیت

مدنی و کیفری

یک وضعیت مخاطره‌آمیز و ناامن که آرامش روانی و حق بر یک زندگی قابل پیش‌بینی را از بین می‌برد، خود نوعی اضرار به حساب می‌آید (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۶). زمانی که فعالیت‌های نسل حاضر، نسل آینده را با خطر قطعی مواجهه با بحران‌های وجودی (مانند کمبود آب یا بلایای طبیعی ناشی از تغییر اقلیم) روبرو می‌کند، این «در معرض خطر قرار دادن»، یک ضرر مسلم و فعلی به «حق بر امنیت و حیات پایدار» آنان است، حتی اگر آثار نهایی آن سال‌ها بعد ظاهر شود. بر این مبنای، برای استناد به قاعده لاضرر، دیگر نیازی به انتظار برای وقوع خشکسالی یا بالا آمدن سطح دریاها نیست. همین که یک پروژه صنعتی یا یک سیاست کلان، «ریسک غیرمتعارف» و جبران‌ناپذیری را بر بستر حیات نسل‌های آینده تحمیل کند، مصداق اضرار بوده و به استناد این قاعده، می‌توان حکم به توقف آن داد. بنابراین تفسیر قاعده لاضرر از یک ابزار جبرانی به یک مکانیسم قدرتمند برای «مدیریت ریسک» و «پیشگیری از خطر» تبدیل می‌شود و پاسخی مستقیم به چالش آتی بودن ضرر ارائه می‌دهد.

۳-۵. آثار و لوازم عملی پذیرش حقوق

بین نسلی

شناسایی حق برای نسل‌های آینده، صرفاً یک بحث نظری و انتزاعی نیست، بلکه آثار و لوازم عمیق و گسترده‌ای در سه حوزه کلیدی «مالکیت خصوصی»، «مسئولیت‌پذیری» و «سیاست‌گذاری کلان» به دنبال دارد. پذیرش این نظریه، پارادایم حقوقی حاکم را از یک رویکرد واکنشی و مبتنی بر جبران خسارت، به یک نظام پیشگیرانه و مبتنی بر حفاظت از حق ارتقا می‌دهد. برای تبیین ملموس این آثار، مطالعه

حق نسل آینده بخش مهمی از آن است) را احراز کرد. بنابراین نگرش جدید، ابزار کیفی بازدارنده و قدرتمند برای مقابله با جرایم کلان زیست‌محیطی و پدیده «اکوساید» (Ecocide) حاصل گردیده و می‌تواند مبنای جرم‌انگاری‌های مستقل و شدیدتری در این حوزه قرار گیرد. (Stop Ecocide Foundation, 2021)

۳-۳-۵. الزامات در سطح سیاست‌گذاری کلان

شاید مهم‌ترین اثر پذیرش این نظریه، تغییر پارادایم در سطح سیاست‌گذاری کلان کشور باشد. حفاظت از محیط زیست از یک امر جانبی به یک «تکلیف بنیادین حقوقی» برای ادای حق غیر تبدیل می‌شود. این تحول، نتایج عملی زیر را به دنبال دارد:

۱) الزام به «ارزیابی اثرات بین نسلی» و حاکمیت «اصل احتیاطی»: دولت مکلف است پیش از هر اقدامی، یک ارزیابی جامع و شفاف از تأثیرات بلندمدت پروژه بر حقوق نسل‌های آینده انجام دهد. علاوه بر این، «اصل احتیاطی» (Precautionary Principle) که ریشه در قاعده عقلی و شرعی «دفع ضرر محتمل» دارد، باید حاکم گردد. بر این اساس، در صورت وجود تهدید به آسیب‌های جدی، فقدان قطعیت علمی کامل نباید بهانه‌ای برای تعلل باشد و بار اثبات بی‌ضرر بودن فعالیت بر دوش مجری پروژه قرار می‌گیرد.

۲) تأسیس نهادهای حافظ: این نظریه، مبنای فقهی-حقوقی لازم برای ایجاد چنین نهاد حافظ

تأسیس حق برای نسل‌های آینده، مسیر را برای استقرار مسئولیت حقوقی برای تخریب‌کنندگان محیط زیست هموار می‌سازد:

۱) در حوزه مسئولیت مدنی: بر اساس تحلیل سنتی، اثبات «رابطه سببیت» مستقیم میان ساخت سد و خشکسالی ۵۰ سال بعد، تقریباً ناممکن است. اما بر مبنای نظریه جدید، از آنجا که «حق» آیندگان از همان ابتدا مسلم بوده، هر تصمیمی که این حق را نادیده گرفته، یک «فعل زیان‌بار» محسوب می‌شود و «ضرر» نیز همان «تلف موضوع حق» است. در اینجا می‌توان دولت و شرکت سازنده را به صورت تضامنی، مسئول دانست و آن‌ها را نه تنها به جبران خسارات، بلکه به «الزام به احیای وضعیت سابق» (Restoration)، حتی با هزینه‌های گزاف، محکوم کرد.

۲) در حوزه مسئولیت کیفری: این نظریه، افق‌های جدیدی را در حوزه مسئولیت کیفری می‌گشاید. تخریب گسترده و آگاهانه محیط زیست که به نابودی منابع بنیادین حیات برای نسل‌های آینده منجر شود، می‌تواند از مصادیق بارز جرم «افساد فی الارض» تلقی گردد. زمانی که یک نهاد، علی‌رغم هشدارهای کارشناسان و وجود ارزیابی‌های دقیق زیست‌محیطی، صرفاً برای کسب سود کوتاه‌مدت، اقدام به اجرای یک پروژه مخرب می‌کند، می‌توان «علم به مؤثر بودن اقدام در ورود خسارت عمده به اموال عمومی» (که

۳) تقویت جایگاه بین‌المللی و دیپلماسی محیط زیست: در سطح جهانی، ارائه یک مبنای مستحکم فقهی-حقوقی برای حقوق بین‌نسلی، جایگاه ایران را در گفتمان جهانی حقوق بشر و محیط زیست تقویت می‌کند. در حالی که اسناد بین‌المللی هنوز با مبنای نظری این حق درگیر هستند، نظام حقوقی اسلام با تکیه بر فقه امامیه می‌تواند یک چارچوب منسجم و الهام‌بخش ارائه دهد. این رویکرد می‌تواند در دیپلماسی محیط زیست و مذاکرات اقلیمی به عنوان یک نقطه قوت مورد استناد قرار گیرد و نشان دهد که حفاظت از حقوق آیندگان ریشه در مبانی عمیق دینی و حقوقی ما دارد.

مستقلی را فراهم می‌آورد که وظیفه آن، ایفای نقش مدعی‌العموم به نمایندگی از کسانی است که خود امکان حضور در دادگاه را ندارند. این دادستانی به عنوان ولی قهری یا قیم «شخصیت حقوقی نسل‌های آینده»، دارای اختیارات مشخصی خواهد بود. از جمله این اختیارات، اقامه دعوی پیشگیرانه است؛ به این معنا که می‌تواند پیش از اجرای پروژه‌های کلان، با استناد به «ارزیابی اثرات بین‌نسلی»، علیه دستگاه‌های اجرایی اقامه دعوی کرده و دستور توقف موقت عملیات را تا زمان تضمین حقوق آیندگان از دادگاه مطالبه کند. علاوه بر این، این نهاد با نظارت بر حسن اجرای قوانین زیست‌محیطی، در صورت مشاهده تخلف، رأساً وارد عمل می‌شود. در نهایت، در صورت وقوع تخریب، این دادستانی به نمایندگی از نسل‌های آینده، برای طرح دعوی مسئولیت مدنی و کیفری، مطالبه خسارت، درخواست «الزام به احیای وضعیت سابق» و پیگیری کیفری متخلفان تحت عناوینی چون «افساد فی الارض» اقدام خواهد کرد. ایجاد چنین نهادی که نمونه‌های مشابه آن در برخی کشورها مانند مجارستان تحت عنوان «بازرس ویژه نسل‌های آینده» تجربه شده است (Bándi & Horváth, 2021, p.104)، تضمین می‌کند که حقوق آیندگان از یک مفهوم انتزاعی به یک واقعیت حقوقی قابل دفاع در نظام قضایی تبدیل شود.

رویکرد پیشنهادی (مبتنی بر حق الناس بین نسلی)	رویکرد رایج (مبتنی بر مصالح نسل حاضر)	حوزه سیاست‌گذاری
قوانین بنیادین و پیشگیرانه مبتنی بر «حق» و ایجاد «تکلیف مثبت» برای حفاظت	قوانین عمدتاً واکنشی و مبتنی بر منع آلودگی‌های فعلی	تقنین
الزام به «ارزیابی اثرات بین نسلی به عنوان شرط لازم برای تمام پروژه‌ها»	تحلیل هزینه-فایده برای نسل حاضر	ارزیابی طرح‌ها
تأسیس نهادهای حافظ مستقل مانند «دادستانی یا دیده‌بان حقوق نسل‌های آینده»	نظارت توسط سازمان‌های دولتی عمومی	نظارت و اجرا

تسهیل اثبات مسئولیت با تمرکز بر «تلف موضوع حق» و امکان اقامه دعوی توسط نهاد حافظ	بار اثبات سنگین بر دوش مدعی برای اثبات ضرر فعلی و سببیت	مسئولیت قضایی
--	--	---------------

جدول ۲: مقایسه رویکرد سیاست‌گذاری مبتنی بر حقوق

بین نسلی با رویکرد رایج

۶. نتیجه

این پژوهش با هدف یافتن مبنایی مستحکم در فقه امامیه برای «حقوق بین نسلی بر محیط زیست» به مثابه یک حق بشری آغاز شد. مسیر تحقیق پس از بازنگری انتقادی، بر اساس یک ساختار سه‌بخشی (چالش‌ها، راهکارها و آثار) سامان یافت تا پاسخی منسجم به این نیاز معاصر ارائه دهد. در بخش نخست، مهم‌ترین چالش‌های فقهی شناسایی شد؛ چالش‌هایی نظیر «معدوم بودن صاحب حق»، ماهیت «آتی و تجمعی» خسارات زیست‌محیطی و دشواری «اثبات سببیت» که کاربست قواعد سنتی را با دشواری مواجه می‌سازد. در بخش دوم، نشان داده شد که فقه امامیه از ظرفیت‌های درونی برای غلبه بر این چالش‌ها برخوردار است. با تحلیل نهادهایی چون «وقف» و «وصیت»، راهکار «اعتبار شخصیت حقوقی برای عنوان کلی نسل‌های آینده» و مکانیسم «تعلیق حق» استخراج گردید. سپس با تبیین ماهیت این حق در چارچوب «حق الناس عمومی» و استناد به ادله نقلی ناظر بر «اشتراک در حقوق» و «تکالیف مستمر»، راه حلی برای چالش‌های مربوط به ضرر و سببیت ارائه شد. در نهایت، بخش سوم به آثار عملی پذیرش این حق پرداخت. نشان داده شد که این نظریه، مبنایی مستحکم‌تر برای بازتعریف حدود «مالکیت خصوصی»، استقرار «مسئولیت مدنی و کیفری» (از جمله الزام به احیای وضعیت سابق و

امکان‌سنجی انطباق بر افساد فی الارض در موارد شدید) و ایجاد الزامات نوین در «سیاست‌گذاری کلان» مانند ارزیابی اثرات بین نسلی فراهم می‌آورد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فقه امامیه این توانایی را دارد که فراتر از توصیه‌های اخلاقی، یک چارچوب حقوقی منسجم، کارآمد و قابل دفاع برای تضمین حقوق نسل‌های آینده ارائه دهد و در گفتمان جهانی حقوق بشر، نقشی فعال و سازنده ایفا نماید. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی بر روی سازوکارهای اجرایی و قضایی تضمین این حق، از جمله تدوین پیش‌نویس قوانین و آئین‌نامه‌های مرتبط، متمرکز گردد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، جلد اول، چاپ اول، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نوزدهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷.
- جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، چاپ دوم، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۰.
- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، چاپ چهارم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۶.

- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد بیست و پنجم، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹.
- محلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، جلد هفتم، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد سوم، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- محقق داماد، سید مصطفی، «قواعد فقه محیط زیست»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره چهل و پنجم، ۱۳۸۶.
- شکر، حسین، فقه و محیط زیست: مبانی و قواعد، چاپ اول، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد سیزدهم، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۳.
- طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، جلد هشتم، چاپ اول، قم، مؤسسه دارالتفسیر، ۱۴۱۶.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی، جلد دوم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۱.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویة، ۱۳۸۷.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، جلد نهم، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، بی تا.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، ناصر، «حقوق مدنی: اموال و مالکیت»، چاپ بیست و پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد پنجم، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه: بخش مدنی، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، جلد اول، چاپ پنجم، قم، مرکز النشر، ۱۳۵۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، جلد دوم، چاپ سوم، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ششم، چاپ بیست و پنجم، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۹.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیة، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر میعاد، ۱۳۷۷.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، جلد دوم، چاپ اول، قم، بی تا، ۱۴۱۰.
- نائینی، محمدحسین، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، جلد اول، چاپ اول، تهران، المکتبه المحمدیة، ۱۳۷۳.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد سی و هفتم، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.
- نراقی، ملا احمد، عوائد الأيام، چاپ اول، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۷۵.
- Bándi, Akos, & Horváth, Viktória. (2021). "An Institution for a Sustainable Future: The

- Sax, Joseph L. (1970). "The Public Trust Doctrine in Natural Resource Law: Effective Judicial Intervention". *Michigan Law Review*, Vol. 68, No. 3, pp. 471-566.
- Stop Ecocide Foundation. (2021). *Independent Expert Panel for the Legal Definition of Ecocide: Commentary and Core Text*. Stop Ecocide Foundation.
- United Nations. (1992). *Rio Declaration on Environment and Development*. Report of the United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3-14 June 1992. (UN Doc. A/CONF.151/26 (Vol. I)).
- Hungarian Ombudsman for Future Generations". *Hungarian Yearbook of International Law and European Law*, Vol. 9, No. 1, pp. 338-358.
- Bándi, Akos, & Horváth, Viktória. (2021). "An Institution for a Sustainable Future: The Hungarian Ombudsman for Future Generations". *Hungarian Yearbook of International Law and European Law*, Vol. 9, No. 1, pp. 338-358.
- Brown Weiss, Edith, "Our Rights and Obligations to Future Generations for the Environment", *American Journal of International Law*, No. 84, 1990.
- Dobson, Andrew, *Green Political Thought*, 4th ed., London, Routledge, 2007.
- Golding, Martin P. (2001). "Causation in the Law". In: *The Blackwell Guide to Philosophy of Law and Legal Theory*. Edited by Martin P. Golding and William A. Edmundson, pp. 95-107. Blackwell Publishing.
- Hardin, Garrett. (1968). "The Tragedy of the Commons". *Science*, Vol. 162, No. 3859, pp. 1243-1248.
- Maljean-Dubois, Sandrine, "The Status of Future Generations in International Law", *The Future of International Law*, T.M.C. Asser Press, 2011.
- Pasek, Jan, "The Rights of Future Generations in the Context of Sustainable Development", *Journal of Human Rights and the Environment*, No. 8, 2017.
- Rolston III, Holmes, *A New Environmental Ethics: The Next Millennium for Life on Earth*, New York, Routledge, 2012.